الحاق [əˈdʒɔiniŋ] adj. مجاور

اگر چیزی در مجاورت باشد ، در مجاورت یک ساختمان یا اتاق است.

... نمی توانستم بخوابم زیرا افراد در اتاق مجاور بلند بلند بودند.

ادعا

ادعا [əˈledʒ] v ادعا

ادعای چیزی این است که بگوییم درست است بدون ارائه مدرک.

girl دختر کوچک ادعا کرده بود که برادر بزرگترش عروسک مورد علاقه خود را پنهان کرده است.

قوس

arch [ɑːrtʃ] n. قوس

طاق ، دهانه ای منحنی شکل است که در زیر سازه ای مانند پل یا درگاه شکل گرفته است.

→ طاق پل به اندازه کافی بلند نبود که قایق بلند از زیر آن عبور کند.

جمع کردن

assemble [əsembəl] v

جمع شدن یعنی جمع شدن در یک مکان.

→ والدین گرد هم آمدند تا در مورد راه های بهبود آموزش فرزندانشان بحث کنند.

سانحه، کشته

تلفات [[kæʒjuəlti] n سانحه، کشته

مصدوم کسی است که در یک جنگ یا تصادف کشته یا زخمی شده باشد.

→ تنها مصدوم حادثه رانندگی زنی بود که دست خود را شکست.

قائم

erect [iˈrekt] v

برپا کردن چیزی به معنای ساختن آن است.

→ پادشاه دو برج در دو ضلع شمالی و جنوبی قلعه خود بنا کرد.

ناپاک

foul [faul] الحاق ناپاک

اگر چیزی ناپاک است ، پسندیده یا لذت بخش نیست.

→ او اجازه نمی داد سگش از آب بنوشد زیرا بوی بدی داشت.

هکتار

هکتار [ɛəhektɛər] n هکتار

هکتار واحد اندازه گیری معادل 10000 متر مربع است.

farm مزرعه خانوادگی وی سطح زیادی از هکتار را تحت پوشش قرار داد.

بلند کردن

heighten [ithaitn] v بلند کردن

بالا بردن یک احساس به معنای افزایش شدت آن است.

pleasant موسیقی دلپذیر لذت آنها را از شام شگفت انگیز افزایش داد.

مهمان نوازی

مهمان نوازی [ɒhɒspiˈtæləti] n. مهمان نوازی

مهمان نوازی رفتاری دوستانه و سرگرمی است که به مهمانان یا غریبه ها داده می شود.

→ مسافران از مهمان نوازی کارکنان هتل به آنها تعجب کردند.

عمارت

mansion [ˈmænʃən] n. عمارت

عمارت خانه ای بزرگ و گران قیمت است.

→ این عمارت سی اتاق خواب ، دو آشپزخانه و استخر داشت.

بیشتر از تعداد

outnumber [autˈnʌmbər] v

تعداد بیشتر از یک گروه به معنای داشتن تعداد بیشتر از آن است.

→ تعداد دختران چهار بر یک از پسران مدرسه بود.

خوشحال

overjoyed [ˌouvərˈdʒɔid] adj. خوشحال

اگر کسی بیش از حد خوشحال است ، پس بسیار خوشحال است.

by او از خبر ترفیع خود بسیار خوشحال شد.

چراگاه

مرتع [urepæstʃər] n. چراگاه

مرتع به ناحیه ای از زمین پوشیده شده از چمن برای استفاده حیوانات به عنوان غذا گفته می شود.

→ گوسفندان را به چراگاهي كه علف بيشتر بود بردند.

دادخواست

petition [piˈtiʃən] n. دادخواست

دادخواست یک درخواست کتبی است که از یک مرجع می خواهد کاری را انجام دهد.

→ شهروندان همه طوماری را امضا کردند که از شهردار می خواهد پیاده روها را تعمیر کند.

نوسازی

renovate [ˈrenəveit] v نوسازی

بازسازی ساختمان به معنای تعمیر یا ساختن سازه های جدید بر روی آن است.

station ایستگاه آتش نشانی قدیمی در یک ساختمان آپارتمانی بازسازی شد.

تجدید نظر

revise [riˈvaiz] v اصلاح کردن

تجدید نظر در چیزی به معنای تغییر یا به روزرسانی آن برای بهتر شدن آن است.

→ هنگامی که سردبیر متوجه شد برخی از حقایق اشتباه است ، وی در کتاب تجدید نظر کرد.

دال

slab [slæb] n. دال

دال یک قطعه بزرگ ، ضخیم و مسطح از سنگ ، بتن ، فلز یا چوب است.

→ برای تزئین خانه خود به اسلب های سنگی مختلفی نگاه کردم.

تراس

тераса [ˈterəs] n تراس

تراس یک فضای باز است که به یک خانه یا یک آپارتمان متصل است.

→ بعد از ظهرها دوست داشت روی تراس بنشیند و ایمیلش را چک کند.

چمن

turf [təːrf] n. چمن

چمن بخشی از چمن و خاکی است که در آن می روید.

→ بعد از بازی ، چمن ژنده پوش به نظر می رسید.

پروردگار و کشاورزان

یک ارباب ثروتمند در حال بازسازی عمارت خود بود. او با پنجره های بزرگ که مشرف به مراتع کشاورزان در مرز شرقی سرزمینش بود ، داستان دیگری به خانه خود اضافه کرده بود. در اطراف عمارت ، او یک دیوار بزرگ بنا کرد. او از تخته سنگهای عظیم سنگ قوسی برای دروازه ساخت. ارباب از اضافه شدن خانه خود بسیار خوشحال شد.

با این حال ، یک روز در حالی که او در تراس نشسته بود ، برخی از کشاورزان در خانه او را زدند. او آنها را به داخل دعوت کرد. با وجود مهمان نوازی ، به نظر می رسید که کشاورزان در وضعیت بدی قرار دارند.

"چرا انقدر ناراحتی؟" ارباب پرسید.

یک کشاورز پاسخ داد ، "در واقع دلیل دیدار ما همین است." سپس دادخواست را به ارباب داد. این ادعا كرد كه سایه ای كه عمارت ایجاد كرده به مراتع آنها آسیب می رساند. این کشاورز توضیح داد: "عمارت شما اکنون روی چندین هکتار از زمین ما سایه افکنده است." "چمن در سایه مرده است و گاوهای ما اکنون چمن کمتری برای خوردن دارند."

ارباب پاسخ داد: "برای من خیلی دیر است که در برنامه هایم تجدید نظر کنم." "شما فقط باید با تغییر زندگی کنید."

پاسخ او فقط عصبانیت کشاورزان را افزایش داد. آنها رفتند ، اما آن شب در بیرون دروازه عمارت جمع شدند. آنها قصد داشتند این عمارت را تخریب کنند. خادمان ارباب سعی کردند از خانه دفاع کنند ، اما تعداد کشاورزان از آنها بیشتر بود.

خادمان فرار کردند و کشاورزان به داخل عمارت ریختند و آن را به آتش کشیدند. همه از خانه بیرون آمدند و هیچ تلفاتی نداشت. با این حال ، آتش به زودی از خانه به مراتع مجاور که متعلق به کشاورزان بود سرایت کرد.

خواص هر دو طرف نابود شد. ارباب و کشاورزان از عملکرد خود متاسف شدند. ارباب قول پرداخت هزینه مراتع سوخته را داد و کشاورزان قول دادند که این عمارت را از نو بسازند. آنها یاد گرفته بودند که وقتی شما می جنگید ، هر دو طرف می بازند.